



شنبه بیست و هشتم آذر ۱۳۸۸ - نوزدهم دسامبر ۲۰۰۹



ادامه یافتن اعتراض خانواده ها و لیست جدیدی از دستگیریهای 16 آذر

بنابه گزارشات رسیده به فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، خانواده های بازداشت شده های 16 آذر صبح روز شنبه در مقابل دادگاه انقلاب تجمع کردند و نسبت به ادامه بازداشت و عدم اطلاع از عزیزانشان دست به اعتراض زدند. خانواده ها خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط عزیزان خود هستند

روز شنبه 28 آذرماه بیش از 100 نفر از خانواده بازداشت شده ها در داخل و مقابل دادگاه انقلاب تجمع کردند و خواهان صحبت با قاضی و یا بازپرس پرونده ها بودند. تا بتوانند برای روز یکشنبه نامه اجازه ملاقات با عزیزان خود را دریافت کنند و از وضعیت و شرایط آنها مطلع شوند و همچنین خواست خود را مبنی بر آزادی فوری و بی قید و شرط عزیزانشان را به آنها اعلام کنند.

تعدادی از بازداشت شده ها از جمله سعید جلالی فر ، مهدی صادقی ، مریم روشنی ، در موقع تماس با خانواده های خود اعلام کرده اند که وسایل گرمایشی به اندازه کافی ندارند و حال عمومی آنها چندان مساعد نیست و از سرمای زیاد رنج می برند. به همین دلیل خانواده ها امروز مصمم ایستاده بودند تا اجازه ملاقات با عزیزانشان را بگیرند.

هنگامی که خانواده ها با شعبه های امنیت دادگاه انقلاب تماس می گرفتند به آنها گفته می شد اجازه ملاقات داده می شود مشروط به اینکه بازداشتی با بازجوی خود همکاری کند و پرونده تکمیل شود هر زمانی که بازجو تصمیم بگیرد اجازه ملاقات داده می شود و با شما تماس گرفته می شود .

بدون اینکه اجازه صحبت به خانواده ها داده شود تلفن را قطع می کردند. خانواده ها نسبت به این برخورد مسئولین دادگاه انقلاب ها اعتراض می کردند و خشم خود را نسبت به این برخوردهای توهین آمیز ابراز می داشتند.

لیست جدیدی از اسامی تعدادی از بازداشت شده های روز 16 آذر ماه برای ارسال به سازمانهای حقوق بشری و اطلاع عموم انتشار می یابد. این لیست تا به حال اسامی 115 نفر از بازداشت شدگان 16 آذر منتشر شده است.

- 1- مریم روشنی 26 ساله در ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 2- زهره محمد زاده 24 ساله در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده
- 3- رامین شریفی 20 ساله در ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 4- وحید اکرمی 29 ساله در ابوریحان بازداشت و به اوین منتقل شده
- 5- محسن پور جعفری 24 ساله در مقابل دانشگاه پلی تکنیک بازداشت و به اوین منتقل شده
- 6- مهران سمندری 28 ساله در ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 7- علی صدیقی 28 ساله در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده
- 8- بهرام امیری گوهری 30 ساله در حوالی حافظ بازداشت و به اوین منتقل شده
- 9- امیر گودرزی 26 ساله در ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 10- علیرضا رستگار منش 23 ساله در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده
- 11- پدram کلانتری 21 ساله در وصال بازداشت و به اوین منتقل شده
- 12- مهدی هاشمی 26 ساله در ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 13- علی معینی 31 ساله در ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 14- محسن میرزایی 27 ساله محل بازداشت نامعلوم و به اوین منتقل شده
- 15- سعید بابایی 29 ساله در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده
- 16- محمد کاظم نوری 27 ساله در ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 17- امیر رضا انصاریان 37 ساله در ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، تحت شکنجه و آزار قرار دادن بازداشت شده های 16 آذر و استفاده از عوامل طبیعی مانند سرمای شدید علیه آنها بخصوص دانشجویان و بی اطلاع نگه داشتن خانواده های آنها از وضعیت عزیزانشان را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر و گزارشگران ویژه دستگیر های خود سرانه ، شکنجه و زنان خواستار اقدامات عملی برای آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان سیاسی در ایران است.



علیرغم یورشها نیروهای سرکوبگر مادران عزادار راه پیمائی خود را برگزار کردند

بنابه گزارشات رسیده به فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، در روز شنبه 28 آذرماه مادران عزادار علیرغم حضور گسترده مامورین سرکوبگر در پارک و ممانعت از انجام حرکت اعتراضی آنها در درون پارک ، مادران دلیر از درب پارک به سوی خیابان امیر آباد و چهار راه فاطمی اقدام به راه پیمائی کردند

مادران حوالی ساعت 17:00 قصد داشتند اعتراضات خود را در میدان آب نمای پارک لاله برگزار کنند که با تعداد زیادی از مامورین سرکوبگر نیروی انتظامی، لباس شخصی و بسیجیها مواجه شدند و از تجمع در آنجا ممانعت می کردند و همزمان جلوی ورود سایر مادران به پارک ممانعت می کردند

مادران در مقابل درب اصلی پارک تجمع خود را آغاز کردند و از آنجا راه پیمائی خود را بسوی خیابان امیر آباد و چهار راه فاطمی ادامه دادند مادران که قصد داشتند در پیاده روبه راه پیمائی خود ادامه دهند با ممانعت مامورین مواجه شدند. مادران عزادار از خیابان امیرآباد به سوی چهار راه فاطمی راه پیمائی خود را ادامه دادند.

حضور نیروهای سرکوبگر انتظامی، بسیج و لباس شخصی در طی مسیر زیاد بود طوری که مادران در محاصره آنها حرکت می کردند. در طی مسیر به مادران یورش می بردند و آنها را متفرق می کردند حداقل 3 بار مامورین به مادران حمله کردند ولی مادران مجدداً به هم می پیوستند و حرکت خود را ادامه میدادند. نیروهای لباس شخصی و بسیج ، مادران عزادار را مورد اهانت و تهدید قرار میدادند و به آنها کلمات غیر اخلاقی و شرم آور می گفتند. ولی مادران عزادار با بلند کردن دستهای خود بر سرشان به نشانه پیروزی حرکت اعتراضی خود را ادامه دادند.

آنها در پایان بصورت دست جمعی به خانه یکی از شهدای قیام مردم ایران رفتند تا همبستگی خود را با آنها اعلام دارند.

گزارش تکمیلی از اعتراض مادران در پارک لاله و خیابانهای مرکزی شهر

بنابه گزارشات رسیده به فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران ، با وجود بازداشت بازجویی و تهدید مادران و دختران در پارک لاله امروز ده ها نفر از مادران و دختران در پارک لاله به نشانه اعتراض به بازداشت ها و کشتارها و شکنجه ها در مقابل ضلع جنوبی پارک لاله (ورودی جنوبی) مقابل

بلوار کشاورز تجمع کردند.

همزمان با تجمع مادران در ساعت 17:10 پنج مامور نیروی انتظامی با 4 لباس شخصی به سمت مادران آمدند و قصد داشتند با تهدید و فریاد مانع حرکت مادران شوند و آنها را متفرق کنند مادران به سمت وصال حرکت کردند که ماموران جلوی مادران ایستادند و مانع حرکت آنها به سمت وصال شدند اما مادران مصمم و با اراده به سمت امیر آباد حرکت کردند. ماموران در پشت و کنار مادران حرکت می کردند و دو لباس شخصی دایما از مقابل و پشت سر از مادران فیلم و عکس می گرفتند و با هر فیلم و عکسی که می گرفتند مادران لفظ مزدور و دیکتاتور را برای آنها به کار می بردند و می گفتند هر چقدر دوست دارید عکس و فیلم بگیرید تا خسته شوید ما نمی ترسیم یک روز هم ما از شما و جنایت های شما فیلم تهیه می کنیم فیلمی که در تاریخ ثبت خواهد شد. به راحتی خستگی و کلافگی ماموران را می شد در لحن صحبت کردن و فریاد زندانشان دید. به طوری که حتی خود اظهار کلافگی می کردند و می گفتند خسته شدیم تمام بعد از ظهر شبانه شما ما را از کار و زندگی انداخته اید چی می خواهید؟

مامورین لباس شخصی و نیروی انتظامی چند بار اقدام به متفرق کردن مادران نمودند ولی هر بار باز هم مادران به هم پیوستند و به اعتراض خود ادامه دادند.

مادران در سکوت به حرکت خود ادامه می دادند و در راه مردم را از این حرکت خود آگاه می کردند وقتی ماموران می دیدند مادران با مردم صحبت می کنند جلو می آمدند و می گفتند با اینها کاری نداشته باشید اینها آمریکایی هستند اما در جواب مردم به مادران می گفتند آفرین باز هم ادامه دهید. ماموران لباس شخصی که می دیدند مادران مصمم هستند و با فحاشی و داد و فریاد متفرق نمی شوند دایما با بی سیم می گفتند اگر اجازه می دهید با باتوم آنها را بزنیم و یا 10 نفر از آنها را بازداشت کنیم. اینجا هم تضاد درگیری لفظی بین لباس شخصی ها و نیروی انتظامی عیان بود که ماموران نیروی انتظامی و لباس شخصی سر بازداشت و عدم بازداشت و همچنین ضرب و جرح مادران در طی مسیر مشهود بود. حرکت مادران در سکوت تا ساعت 17:35 ادامه داشت

مادران عزادار قرار گذاشته اند که تا رسیدن به خواسته های خود هر شبانه بعد از تجمع در پارک لاله به نشانه همدردی با مادران عزادار به خانه یکی از شهدا بروند. امروز بعد از تجمع مادران در خانه ندا آقا سلطان جمع شدند و با هم هم پیمان شدند که تا رسیدن به خواسته هایشان یعنی بازداشت و محاکمه عاملین و آمرین کشتار بازداشت و شکنجه و تجاوز به جوانان در خیابان ها و بازداشتگاهها به حرکت خود ادامه دهند و در نهایت مادران در خانه ندا آقا سلطان با سر دادن 5 الله اکبر برای شادی روح تمامی شهدا به خصوص ندا و 5 الله اکبر برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی به حرکت اعتراض خود پایان دادند

بیانیه کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت های اجتماعی»



با تعمیق و گسترش خشونت در اشکال مختلف در جامعه به ویژه پس از حوادث اخیر، موجی از نگرانی در میان دلسوزان این سرزمین ایجاد شد. این دغدغه ها و نگرانی ها در میان ما زنان صدچندان بوده است، زیرا زنان ایرانی طی قرون و اعصار متمادی از اصلی ترین قربانیان درگیری های سیاسی اجتماعی اقتصادی خشونت انگیز جامعه بوده اند و در حافظه جمعی خویش، انواع گونه های خشونت را ثبت کرده و با گوشت و پوست خود لمس می کنند که هر گونه خشونت که در جامعه ایجاد شود، قربانیان اصلی آن، زنان هستند. هم از این روست که زنان امروزه تمام قد در برابر خشونت ایستاده اند و با تمام وجودشان سعی دارند که نگذارند خشونت پیشگان از هر سو که باشد، آن ها و سایر آحاد اجتماع را در دور باطل خشونت و بازتولید چرخه خشونت و نفرت، سرگردان و اسیر کنند. خشونت نهادینه شده ای که در اقصی نقاط کشور و نیز در مقابل فعالان جنبشهای اجتماعی همواره به صورتی خزنده وجود داشته و چه بسا امکان انعکاس موثر نمی یافت، این بار نمودی بارزتر و تجمع یافته تر از پیش بخود گرفت.

از آغاز خیزش دموکراسی خواهی اخیر مردم، زنان در گروه های پرتعداد در بطن جنبش سبز به خیابان ها آمده اند و مانند سایر کنشگران این جنبش و گاه حتا بیشتر با خشونت های گسترده حاکمیت مواجه شده اند، هم از این رو ضمن پیگیری مطالبات مدنی این جنبش، از همان آغاز از طریق گفتگو با جوانان و نیروهای نظامی و شبه نظامی از گسترش خشونت در ابعاد وسیع تر ممانعت به عمل آورده اند.

خشونتی که پیش از جریانات اخیر، زنان و فعالان مدنی ایران انواع گونه های آن را در زندگی اجتماعی و خصوصی خود تجربه کرده بودند، پس از انتخابات، به شکل خشونت سیاسی به منظور یکسان سازی بافت قدرت و برای کنترل اعتراضات مردمی، شدت و گسترش بیشتری پیدا کرده است. از جمله:

تشدید خشونت علیه زنان با گسترش نگرش تحقیرآمیز به زنان و اعمال قوانین و سیاست های تبعیض آمیز همچون تفکیک های گسترده جنسیتی در عرصه عمومی جامعه افزایش رفتار خشونت بار و سرکوبگرانه با تجمعات قانونی و مسالمت آمیز مردم. به طوری که به رغم شیوه های مسالمت جویانه مردم، برخی از مسولان که باید نقش مدعی العموم و مدافع مردم را داشته باشند به تهدید و ارباب مردم و طرح مجازات اعدام در برابر رفتار مدنی و مسالمت جویانه آنها اقدام کرده اند. افزایش بی رویه احضار، تهدید، اخراج از کار و تعلیق و محرومیت از تحصیل و ممنوعیت خروج فعالان مدنی از کشور. افزایش بازداشت های گسترده و برخوردهای غیرقانونی خشونت آمیز در بازداشتگاه ها و زندان ها. افزایش صدور احکام سنگین مجازات، مانند زندان های طولی المدت، احکام اعدام و اجرای آن ها. گسترش گفتمان خشونت گرا از طریق رسانه ها در سطح جامعه. افزایش خشونت علیه نیروهای دگراندیش و حذف فعالان همه جنبش های اجتماعی و گروه های سیاسی و مدنی.

در چنین شرایط آکنده از خشونت، زنان با تکیه بر تجارب خود در هم اندیشی های زنان، کمپین های گوناگون (از جمله کمپین یک میلیون امضاء، کمپین ضدسنگسار و سایر ابتکارات و ائتلاف های گروهی) و در گروه های متکثر زنان، فعالان حقوق بشر و صلح (از جمله مادران صلح و...) تلاش کردند با استراتژی های گوناگون به مقابله با خشونت پدید آمده در جامعه بپردازند. آن ها نیک می دانند که اصلی ترین راه مقابله و مقاومت در قبال چنین خشونت هایی، ایجاد و گسترش گفتمان و عملکردهای پرهیز از خشونت است، گفتمان و رفتاری که نه تنها به دنبال حذف «رقیب»، و مخالف به عنوان «دشمن» نیست، بلکه اتفاقاً بقای خود را در زندگی مداراجویانه با تمامی اندیشه ها، روش ها و افکار مخالف و متضاد یکدیگر در عرصه های اجتماعی و سیاسی می داند. زنان به عنوان اصلی ترین قربانیان خشونت به درستی دریافته اند که خشونت، چرخه ای است که می تواند مرتباً خود را در حوزه های مختلف بازتولید کند و از خشونت های سیاسی به خشونت های اجتماعی و سپس به خشونت های خانگی تبدیل شود. زنان به تجربه دانسته اند که پررنگ شدن و افزایش خشونت در یک عرصه، به باز تولید آن در عرصه های دیگر منجر می شود.

از این رو فعالان جنبش زنان تلاش می کنند از طریق روشنگری و آگاهی رسانی به جامعه هشدار دهند که مهار پدیده خشونت در عرصه های عمومی و خصوصی در شکل فردی و اجتماعی نیازمند آگاهی، شناخت و تجزیه و تحلیل فرآیند شکل گیری خشونت است. هنگامی می توان به مهار پدیده خشونت دل خوش بود که جامعه بتواند با شناخت این پدیده، از ارزش ها، نگرش ها و رفتارها و عملکردهای خشونت آمیز و حذفی چنان فاصله بگیرد که بتواند گفتمان خشونت گرا را که زمینه ساز سایر خشونت ها و حذف هاست، در گستره فراگیر افکار عمومی از هر نوع مشروعیتی ساقط سازد. تا وقتی نظام ارزش های دو قطبی «حق / باطل»، «دوست و دشمن»، «مرگ / درود»، «خوب و بد» که بستر ساز حذف و خشونت های فیزیکی است، در بطن جامعه بازتولید شود، بی شک قدرت مداران نیز می توانند رفتارهای خشونت آمیز خود را توجیه کنند. هم از این روست که تنها ابزاری که جامعه مدنی و جنبش های اجتماعی برای کنترل و مهار خشونت در مراحل گذار اجتماعی از مرحله ای به مرحله دیگر دارند، فاصله گرفتن و طرد و نفی هر نوع نظام ارزشی قطبی شده و سیاه و سفید، از طریق بسط «گفتگو» و آگاهی رسانی در عرصه عمومی است. بی شک زمانی که گفتگوی مسالمت آمیز به

متابه یک ارزش در تمامی سطوح جامعه عمومیت یابد می توان امیدوار بود که روند تغییر و تحولات با هزینه های هرچه کمتر به وقوع خواهد پیوست. زنان کنشگر جامعه ما عمیقاً باور داشته و دارند: خشونت، خشونت می آفریند و دستیابی به حقوق برابر و دموکراسی درونزا، بدون دوری گزیدن از رفتارهای تمامیت طلبانه خشونت زاء، عملاً امکان پذیر نیست. بدین ترتیب این بار نیز زنان با رویکرد نفی خشونت و درونی کردن رفتارهای دموکراتیک در سلوک آحاد جامعه به میدان آمدند.

همین رویکرد زنانه بود که در تجمعات خیابانی و بازداشت های گسترده اخیر، وقتی دولت بی محابا دست به خشونت زد و با هرگونه روش تساهل و مدارا و تفاهم با مردم ضدیت ورزید، زنان خود را نه تنها سپر بلای جوانانی که مورد ضرب و شتم قرار می گرفتند بلکه سپر بلای جوانان سرکوب گری شدند که در معرض برخوردهای تلافی جویانه قرار می گرفتند، تا هم از حجم سرکوب و خشونت ها بکاهند و هم آنکه اجازه ندهند خشونتگران بیش از این، مردم صلح دوست ایران به ویژه جوانان را به آدم های وحشت زده ای تبدیل کنند که برای بقای خود راهی جز روی آوردن به قهر و خشونت متقابل نمی یابند.

در پرتو همین رویکرد زنانه بود که وقتی حاکمان به دستگیری های گسترده اقدام کردند، زنان به جای برخوردهای «واکنشی و خشونت گرایانه»، در مقام کنشگرانی آگاه در برابر خشونت ورزی و قربانی سازی از زندانیان ایستادگی کردند و توانستند مفهوم عشق و همدلی را در حوزه خشن و مذکر سیاست و سیاست ورزی سنتی، وارد کنند. از یک سو با نوشتن نامه های عاشقانه به همسرانشان و گفتن آشکارای حدیث دل با آنان و از سوی دیگر با تلاش پیگیر برای اثبات مظلومیت عزیزان دربندشان به گفتگو و تعامل با مسئولین و منتقدین جامعه پرداختند و با برگزاری جشن های «تولد» به جای «مراسم عزاداری» توانستند تصویر و نقش مرسوم زن ایرانی را به عنوان «قربانی مظلوم قدرت» به نقش و تصویر «زن خودآگاه و کنشگر» نزدیک سازند. همین رویکرد بود که مادران عزادار را به جای سوگواری در خلوت، به مقاومت و حضوری مسالمت آمیز و مستمر در فضای عمومی و به جای انتقام جویی فردی به دادخواهی و تشکیل محکمه های عدلانه و عاری از قصاص و در نهایت به جای گسترش فرهنگ انتقام، به نماد صلح و عدالت خواهی و پیام آوران اصل «پرهیز از خشونت» تبدیل ساخت.

همین رویکرد بود که زنان را به حمایت برابر از تمامی زندانیان خواه گمنام و خواه مشهور و از گروه ها و احزاب مختلف واداشت تا آنجا که توانستند اسطوره قهرمان سازی های مذکر و کلیشه ای را بشکنند و با آگاهی به محدودیت های جسمی و روانی انسان و با رنگ زمینی بخشیدن به رفتارهای زندانیان سیاسی، گفتمان «مقاومت اسطوره وار فردی» را به گفتمان «مقاومت انسانی و جمعی» در برابر خشونت، ارتقاء دهند.

همین رویکرد بود که زنان را قادر ساخت با شکستن تابوها و کلیشه های اخلاقی ناموس محور که دستاویزی برای آزار جنسی زنان در زندان هاست، حربه شکنجه ها و خشونت های جنسی را ناکارآمد سازند.

همین رویکرد بود که زنان هنرمند در عرصه های مختلف هنری و نیز رسانه ها را بر آن داشت تا تمام امکانات و تریبون های خود برای پژواک صدای مسالمت آمیز و مدنی مردم در مقابل صدای پر حجم خشونت طلبان به کار گیرند.

همین رویکرد بود که زنان قربانی خشونت در عرصه های اخراج از کار، ممنوع از تحصیل و ممنوع الخروج را پیشگام شکایت ها و پیگیری های حقوقی و قانونی و اعتراضات مدنی و مسالمت آمیز در برابر نقض حقوق شهروندی کرد.

همین رویکرد بود که سبب شد وکلای زن در برعهده گرفتن وکالت انبوه دستگیرشدگان وقایع اخیر، جلودار شوند و با طرح شکایت های حقوقی راهی مسالمت آمیز در بن بست های اجتماعی بیابند.

همین رویکرد بود که رشد تکثر گرایی در جنبش زنان را موجب شد و در تداوم تجربه های گذشته زمینه تشکیل «همگرایی جنبش زنان برای طرح مطالبات زنان در انتخابات» با هر فکر و گرایش و نگرشی را پدید آورد، تکثر گرایی خود آگاهانه ای که از چنین تجربه هایی در جنبش های گوناگون اجتماعی به جنبش سبز راه یافت. بی شک این تکثرگرایی می تواند بر بستر گفتگو و شنیدن صداهای مختلف و توجه به خواسته های جنبش های مختلف اجتماعی هرچه گسترده تر و در سطحی ملی فراگیر شود.

و بالاخره همین رویکرد و کنش های آگاهانه زنان بود که جنبش زنان و فعالان این جنبش را به «حاملان اصلی گفتمان خشونت پرهیز» در جنبش سبز و در گستره ملی تبدیل ساخت.

به این ترتیب اصل عدم خشونت به عنوان «رویکرد مشترک میان جنبش زنان و جنبش سبز»، به مثابه حلقه پیوند زنان با این جنبش فراگیر شد. و از همین روست که امروز ما بر آن شدیم تا با ایجاد کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت های اجتماعی» و با تاکید بر همین عملکرد خشونت پرهیز زنان در جنبش سبز، پیوند ایجاد شده را نهادینه سازیم.

به باور ما یکی از کارآمدترین ابزار در فرایند مقاومت مدنی و احقاق حق، گسترش «گفتگو» در عرصه عمومی است. در نتیجه ما نیاز داریم حرف بزنیم و حرفهای همدیگر را گوش کنیم، نیاز داریم همگی مان برای یافتن راه حل عبور از بحران ها و نابرابری ها، به طرز مسئولانه و در فضای مدارا جویانه و مسالمت آمیز گفتگو کنیم. تا از گفتگو پلی برای گسترش گاهی و ارتباط افشار و تفکرات گوناگون بسازیم و حیات اجتماعی انسان را سرشار از صلح و امنیت بسازیم. گفتگو و سخن گفتن بدون پراکنش کینه و تنفر، تنها راه شفای جامعه ای است که خشونت از صدر تا ذیل آن را قربانی خود کرده است.

ما می خواهیم با اتکا به نیروی ثابت قدم و همت زنان ایرانی، فضایی سالم و انسانی جهت برپایی جلسات گفتگو و بحث فارغ از کین ورزی خلق کنیم، و امیدواریم این «توانمندی های زنانه» بتواند به گسترش گفتگو، تحمل و مدارا به عنوان اصلی ترین عوامل کاهش خشونت در تمام سطوح گوناگون جامعه یاری رساند.

ما بر این باوریم، زنان بر اساس ظرفیت هایی که در فرآیند شکل دهی رفتارهای دموکراتیک در هم اندیشی ها و همگرایی ها و کمپین ها و گروه های صلح و دفاع از حقوق بشر زنان و ... از خود نشان داده اند این توانایی را یافته اند که گفتگو را در کانون عرصه های گوناگون حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه قرار دهند. آنها یقین دارند که می توان محتوی و کیفیت گفتگو را از موضوعات پراکنده به «اصولی هدفمند و راهگشا» در حوزه روابط شهروندان با حاکمیت و میان گروه های سیاسی و مدنی ارتقا دهند. زیرا نه تنها بن بست های اجتماعی سیاسی از طریق گفتگو و مذاکره گشوده می شوند بلکه از بستر گفتگو می توان راهکارهایی را کشف کرد که وفات حداکثری را برانگیزد و ذینفعان گفتگو را به تبعیت از دستاوردهای آن، قانع سازد.

ما در کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت اجتماعی» باور داریم از طریق گفتگوی شفاف و در عرصه عمومی می توان از قطبی شدن جامعه جلوگیری کرد و شکاف بین گروه های مختلف اجتماعی- سیاسی را به نفع همگان کاهش داد و از این طریق بسترهای رویش خشونت های بالقوه را خشکاند. به باور ما هرچه فضای گفتگو در سطوح مختلف افزایش یابد، هزینه های فرآیند گذار به دموکراسی در جامعه کاهش می یابد.

از این روست که ما در کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت اجتماعی» جمع شده ایم تا در حد بضاعت خود با ایجاد همبستگی فراگیر تلاش کنیم گفتمان خشونت پرهیز را از طریق گفتگوی متقابل در عرصه عمومی، به مثابه اصلی ترین راهبرد خود، برای نیل به توسعه و دموکراسی گسترش دهیم.

آری، ما قصد آن داریم که با بهره گیری از دستاوردهای و عقاید و ایده های طیف ها، افشار و اقوام و طبقات گوناگون جامعه در مناطق کشور، فضایی معتدل و چند صدایی، و زمینه ای مشترک در فضای «سیاه و سفید» و قطبی شده ای کونونی در جامعه به وجود آوریم. باشد تا با قدرت و عاطفه زنانه و با امید به خشکاندن ریشه خشونت در بلندمدت، سختی های این دوران را به کار و تلاش نقادانه و کشف امکان های تازه ای حل و فصل منازعات و مقاومت مسالمت آمیز برای رسیدن به مطالباتمان، تحمل کنیم.

همه ما در یک سرزمین با جغرافیایی واحد زندگی می کنیم، از این رو باید فرا بگیریم که هر نوع «منزاعه»، «رقابت»، «پیش برد منافعی فردی و

جمعی‌مان» و هر نوع «تغییری» را در فضایی اخلاقی، انسانی و غیرخوشنوتبار پیش ببریم در غیر این صورت جامعه‌ای بیمار خواهیم داشت که در آینده به سقوط کامل ارزش‌های انسانی، اخلاقی و مدنی، و زیر پا نهادن معیارهای انسانی، «برای رسیدن به اهدافش» نیز تن خواهد داد. کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت‌های اجتماعی»

گروه‌ها: مدرسه فمینیستی

• جمعی از گروه میدان • جمعی از مادران صلح • کانون زنان ایرانی • کمیته گزارشگران حقوق بشر • جمعی از مادران عزادار • انجمن علمی فراسو • گروه ادبی - فرهنگی زنان آئیل اسامی اولیه (به ترتیب حروف الفبا):
• آریتا شرف جهان • آینا یعقوبی • اشرف چیتگرزاده • اکرم خیرخواه • اکرم مینویی • پرستو فروهر • پروین بختیارنژاد • پریسا کاکایی • خدیجه مقدم • رخشان بنی اعتماد • رزا قراچورلو • زهرا مینویی • زهره تنکابنی • زیلا بنی یعقوب • سارا لقای • ساقی لقای • سپیده یوسف زاده • سعیده امین • سیمین بهبهانی • شهلا فرجاد • شهلا لاهیجی • شیرین عبادی • شیوا نظرآهاری • غزال شولی زاده • فاطمه گوارایی • فرخنده جبارزادگان • فرزانه طاهری • فیروزه صابر • گیتی خیرخواه • لیلا اسدی • لیلا صحت • محبوبه عباسقلی زاده • مریم امی • مریم بهشتی • مریم رحمانی • مریم قنبری • مریم مجد • مریم یاسمین شیرازی • مژگان جعفریان • مریم بهرمن • معصومه وطنی • منصوره شجاعی • مینا جعفری • مینا ربیعی • مینو مرتاضی • ناهید توسلی • نرگس محمدی • نسرين ستوده • نوشین احمدی خراسانی

سرکوب حقیر است نه "زنانگی"

ما جمعی از زنان، فعالان جنبش زنان و فعالان اجتماعی، ... همگان را به اعتراض به تحقیر زنانگی و دفاع از حق انتخاب زنان در نوع پوشش و اعتراض به پوشش اجباری دعوت می‌کنیم. با امضاها و تصاویر و نوشته‌های خود در این حرکت بزرگ شرکت کنید.

بیانیه درباره انتشار تصاویر "مردان با حجاب"

سی سال پیش و پس از انقلاب بهمن 1357 که با اجباری شدن تدریجی حجاب، و رژه‌ی سرکوبگران و فریادهای یا "روسری یا توسری"، "روسری" برسرمان نشست به روشنی دیدیم که چگونه نه تنها زن بلکه زنانگی نیز تحقیر می‌شود. در نبود تحلیلی درست و منسجم از مسئله، اهمیت، ربط و پیامدهای آن برای کل جامعه سرانجام با پوشاندن سر زنان واقعیت‌ها نیز گویی در پرده رفت. اندک مردانی در کنار ما به حجاب اجباری اعتراض کردند و بسیاری از هر گروه و دسته ساکت ماندند. سرانجام آنچه به اجبار توسری‌ها و اخراج‌ها و خانه نشین شدن‌ها بر سر تمامی زنان ایرانی نشست هم نماد شخصیت زنان شد، هم نماد زنانگی زن مسلمان، و هم نماد تحقیر زنان و ناگزیر تحقیر مردان.

اینک، که پس از سی سال، با اوج بی سابقه گرفتن و عریان شدن تمامی برنامه‌های سرکوب و تحقیر حکومتی، و از جمله تحقیر زن و زنانگی، حال از زبان مردان می‌شنویم که مردان جامعه را به تمسخر نماد اجبار، به جای زنانگی فرا می‌خوانند. سی سال گذشت تا مردان بیشتری در این مبارزه "زنانه" شرکت جویند. اینک، انتشار تصاویر متعدد مردان ایرانی با پوشش روسری، مقتعه و چادر در شبکه اینترنت در پی بازداشت مجید توکلی دانشجوی مبارز، و تحقیر او به دلیل زنانه پوشی، نه تنها مفهوم حجاب اجباری که هر آنچه زنانه = حقیر هست را به چالش کشیده است. چرخشی در مواضع که می‌توان ظهور پارادیم جدیدی را در آن خوشامد گفت.

این بیانیه در استقبال از همین چرخش فرهنگی است که منتشر می‌شود، چرخشی که بیگمان گسستی قطعی در آن پیوستار تاریخی است که به واسطه نگرش تحقیر آمیز به زنان بار دیگر پس از انقلاب در حجاب اجباری بازتاب یافت. مو و بدن زن به سبک دوره صفویه اما این بار "با دلایل علمی" تحریک آمیز شناخته شد و برای کنترل و پوشاندن آن تمامی سیستم‌های آموزشی، خانوادگی، تربیتی، قضایی، تبلیغی و... به کار رفت تا موضوع تحقیر نهادینه شود، تا اگر روسری به سر نکند - یا حتی بکند - با تو سری حقیر شود.

لغو قانون حمایت از خانواده و فرودستی زنان در قانون دامنه و عمق این نگاه و عمل تحقیرآمیز را افزایش داد. ارزش گذاری بر نهاد خانواده از یکسو و آزادی چند همسری برای مردان، تشویق مردان به ازدواج موقت به بهانه حمایت از زن نیازمند، زن شهید، زن جانباز و... بر موقعیت منزلت و محقر زن به مثابه موضوع لذت جنسی مرد از یک سو، و موضوع مرحمت = قدرت مرد از سوی دیگر، و در نتیجه حقارت او، افزود.

اعمال قدرت جنسی در قوانین کیفری خشونت آمیز نیز بدن زن را چنان عرصه تاخت و تازهای تحقیر آمیز آمران قرار داد که سابقه نداشت. از زن کشی‌های ناموسی تا سنگسارهای سنتی و قانونی این حقارت هرچه بیشتر و بیشتر در ساختار حکومتی و مناسبات جامعه ریشه دواند. تحقیر به مثابه ابزار سرکوب جنسی بخش دیگر این پیوستار بود. همان طور که قانون شوهران را اختیار دار بدن زنان شان می‌دانست و تجاوز خانگی را مساوی با حق تمکین مرد در خانه قرار می‌داد، تجاوز در زندان برای آمران و بازجویان نیز مساوی پذیرش قدرت و حقانیت حکومت و دلیلی برای تحقیر زنان و حتی مردان در زندان‌ها شد.

بدیهی است که قربانی این تحقیر و خشونت سیستماتیک تنها زنان نبودند. در این پیوستار تحقیر مردانی که در رفتار و در پوشش و در اندیشه‌الگو "مرد" و "مردانه" گروه‌های سرکوب را دنبال نمی‌کردند جریشان حتی سنگین تر از زنان بود و مردانی "زن نما" بودند که قدرت "مردانگی" را زیر سوال می‌بردند و به همین دلیل بود که حتی از سوی مردان جامعه نیز اگر تحقیر نمی‌شدند، حمایتی هم در کار نبود.

به این ترتیب، از داستان سیاستمداری که با لباس زنانه از کشور خارج شد تا خروج دانشجویی با حجاب کامل به سبک صدا و سیمای ملی از دانشگاه، راه پر سنگلاخی طی شد. در این مسیر کم نبودند مردان برابری خواهی که به دلیل حمایت از حقوق زنان مورد تحقیر و توییح و شمانت قرار گرفتند که چرا شان مردانگی را زیر سوال برده اند. هر آنچه به زنان مربوط می‌شد ابزاری برای تحقیر جدی مردانی شد که آن را به کار می‌گرفتند.

پخش یکباره تصاویر نامتعارف مردان با روسری و چادر و مقتعه و انواع پوشش‌هایی که زنانه تلقی می‌شد؛ و مدت‌ها تصویر متعارف زنان و نماد زنانگی بود، تمامی مرز بندی‌های ذهنی و کلیشه‌ای را به چالش کشید. قرار بود یکی از نقش‌های حجاب اجباری، تفکیک قاطع زنان از مردان در عرصه عمومی باشد و آنچه این تصویرها را از منظر بصری چنین قوی و ساختار شکن می‌کند به مراتب بیش از تصویر زنان بی حجاب، به چالش کشیدن این تفکیک به شیوه‌ای بدیع و دمکراتیک است.

براستی نیز، نقد، خلق و کاربست شیوه‌های نو، دموکراتیک، خشونت ستیز و ساختار شکن در جامعه مردانه و تحقیر ستیز، یعنی همان چه که جنبش مردمی کنونی نیز در پی آن است، سال‌هاست که از سوی جنبش زنان دنبال می‌شود. از این رو، اهمیت تجاری از این دست درون جنبش‌ها، بخصوص در همبستگی و همدلی و همدردی‌ای است که خواه و ناخواه ایجاد می‌کند و دامنه حمایت را می‌گستراند.

آری، این بار آنان که تحقیر می‌شوند همان‌هایی هستند که سال‌ها به ضرب چماق، تحقیر بر سر زنان نشانند اما به یمن جنبش مردم این عمل شان این بار انعکاسی دگرگونه یافت، انعکاسی خارج از تصور حکومت‌مردان تمامیت خواه. چه دیر اما چه پرخروش و با شکوه آمدند این مردان معترض به تحقیر زن و زنانگی.

پوشش میدل مجید توکلی، دانشجوی قهرمان دانشگاه امیرکبیر، چه به اجبار زندانبانان و چه به اختیار خودش برای گریز از مهلکه تمامیت خواهان، هرگز نماد تحقیر نیست، آنچه تحقیرآمیز است نه زنانگی و نماد‌های آن، اجبار زنان به استفاده از آن است.

ما جمعی از زنان، فعالان جنبش زنان و فعالان اجتماعی، ... همگان را به اعتراض به تحقیر زنانگی و دفاع از حق انتخاب زنان در نوع پوشش و اعتراض به پوشش اجباری دعوت می‌کنیم. با امضاها و تصاویر و نوشته‌های خود در این حرکت بزرگ شرکت کنید.



دولت جمهوری اسلامی ایران برای پنجاه و ششمین بار در سازمان ملل محکوم شد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد روز گذشته قطعنامه شدید اللحنی را در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران را صادر کرد. خبرگزاری هرانا: مجمع عمومی ملل متحد، در روز 27 آذرماه، قطعنامه شدیداللحنی در محکومیت «نقض جدی، مستمر و پی‌درپی حقوق بشر» در ایران از جمله شمار فزاینده اعدامها، سنگسار، تبعیض و سرکوب وحشیانه علیه زنان و اقلیتهای مذهبی و قومی و اعمال خشونت و ارباب توسط شبه‌نظامیان دولتی علیه تظاهرکنندگان، که به تعداد بیشماری مرگ و جراحت منجر شده است، برگزار می‌کند. برگزاری محاکمه‌های جمعی، گرفتن اعترافهای اجباری با شکنجه و تجاوز را به تصویب رساند.

مجمع عمومی سازمان ملل با 74 رای مثبت، 49 رای منفی و با 59 رای ممتنع، قطعنامه ای را که پیشتر در نشست کمیته سوم مجمع عمومی در ماه نوامبر تصویب شده بود، تأیید کرد. در قطعنامه مصوب کمیته سوم در ماه نوامبر، نسبت به نقض مستمر حقوق بشر در ایران به شدت ابراز نگرانی شده بود.

سمیه رشیدی فعال حقوق زنان بازداشت شد



افروز مغزی وکیل او با تأیید این خبر توضیح داد: «صبح امروز بنا بر احضاریه ای که طی تفتیش منزل موکلم به او ابلاغ شده بود به دادگاه انقلاب مراجعه کردیم. وکالتنامه برای سمیه رشیدی از من اخذ شد ولی اجازه حضور در شعبه را نیافتیم. خانم رشیدی حدود دو ساعت در محل دادگاه انقلاب بازجویی شد و سپس به ما اطلاع دادند که وی پس از تفهیم اتهام به زندان اوین منتقل شده است».

به گزارش تغییر برای برابری هفته گذشته با ورود ناگهانی 5 مامور (در ساعت 6 صبح روز 23 آذر) به منزل سمیه رشیدی که به همراه دو تن از دوستانش در آن زندگی می‌کند و تفتیش منزل، وسایل شخصی او و دیگر دوستانش ضبط شد.

رشیدی از فعالان کمپین یک میلیون امضاست و همچنین در سال تحصیلی جاری به دلیل ستاره دار شدن از تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان محروم شد. و تلاش او با وجود پی‌گیری وضعیتش برای ورود به دانشگاه بی‌ثمر ماند و از حق انسانی تحصیل محروم شد.

بلاتکلیفی فریبا پژوه و خانواده‌اش همچنان ادامه دارد



فریبا پژوه ۳۱ مرداد امسال در منزل پدری‌اش بازداشت شد و اکنون در حالی چهار ماه از بازداشت‌اش می‌گذرد که ابتدا به خانواده‌اش گفته بودند که فقط برای «یک سوال و جواب کوتاه یک‌ساعته» او را می‌برند.

«گفته بود خسته‌ام، بیاوریدم از این‌جا بیرون.» این چیزی است که خواهر فریبا پژوه، روزنامه‌نگار زندانی، از آخرین ملاقاتی که خانواده با او داشته‌اند نقل می‌کند. اکنون نزدیک به چهار ماه است که فریبا در بازداشت است و خواهر او در جواب «چه خبر؟» می‌گوید: «همان خبرهای قبلی، بلاتکلیفی، بی‌خبری.»

به گزارش سایت خبرنگاران ایران، فریبا پژوه ۳۱ مرداد امسال در منزل پدری‌اش بازداشت شد و اکنون در حالی چهار ماه از بازداشت‌اش می‌گذرد که ابتدا به خانواده‌اش گفته بودند که فقط برای «یک سوال و جواب کوتاه یک‌ساعته» او را می‌برند. البته برای «یک سوال و جواب کوتاه» یک قرار بازداشت دو ماهه صادر کرده بودند و سپس آن قرار بازداشت موقت را نیز برای دو ماه دیگر تمدید کردند.

حالا و در حالی که تنها چند روز مانده به پایان «قرار بازداشت دوماهه» دوم، خانواده‌اش همچنان هر روز بیش از نیمی از روز را سرگردان راهروهای دادگاه هستند تا مگر کسی جواب «بلاتکلیفی» خود و فرزندشان را بدهد. با این‌همه حتی جواب‌های «امیدوارکننده‌ای» را که گاه از دستگاه قضایی می‌گیرند در برابر دژ سیستم امنیتی بی‌استفاده و غیر قابل اجرا می‌بینند: «دادستان و بازپرس شعبه، آزادی فریبا را بلامانع می‌دانند اما معلوم نیست چرا فریبا آزاد نمی‌شود.» این چیزی است که خواهر فریبا می‌گوید. او قصه‌های بیشتری هم از این دست دارد: «حتی یک بار وقتی دادستان با مهر و امضای شخصی خودش دستور اجازه ملاقات خانواده با فریبا را داده بود، در زندان دستور دادستان را قبول نکردند و اجازه ملاقات ندادند.»

فریبا پژوه که یک ماه اول بازداشت‌اش را در یک سلول انفرادی که از فرط تنگ بودن به قبر تشبیه شده، گذرانده و در معرض اتهامات گوناگون بوده، حالا مدت‌ها می‌شود که با اتمام بازجویی‌ها در بند عمومی ۲۰۹ در بی‌خبری رها شده است. پرونده این روزنامه‌نگار با تنها یک مورد اتهام «تبلیغ علیه نظام»، به دادگاه ارسال شده و این روزنامه‌نگار حتی جلسه بازپرسی خود را نیز در دادگاه انقلاب گذرانده است.

«شب‌ها نمی‌تواند بخوابد، قرص اعصاب می‌خورد. خیلی سرد است سلول‌اش. کلافه شده است از معلق بودن.» این چیزی است که خواهر فریبا می‌گوید و اضافه می‌کند که «معلوم نیست تا کی قرار است این "بازداشت موقت" ادامه یابد.»

مصطفایی: «از لحاظ قانونی قرار بازداشت موقت پژوه باید فک و بدل به قرار دیگری شود»

دستور دوم بازداشت موقت دوماهه فریبا پژوه در حالی چند روز دیگر به پایان می‌رسد که هنوز معلوم نیست پس از آن چه تصمیمی قرار است برای این روزنامه‌نگار در بند اتخاذ شود. از یک سو سیستم قضایی ادعا می‌کند که آزادی وی بلامانع است و از سوی دیگر هنوز حرفی هر چند اندک از احتمال آزادی وی در میان نیست.

محمد مصطفایی، وکیل دادگستری، که در مورد پرونده هنگامه شهیدی، دیگر روزنامه‌نگار زندانی اخیراً از بند رها شده نیز تجربیاتی مشابه آن‌چه در پرونده فریبا پژوه در حال اتفاق است را از سر گذرانده، می‌گوید: «متأسفانه شاهد این روند هستیم که دستگاه قضایی دستوراتی را صادر می‌کند اما در این میان کسانی هستند که استتک می‌کنند.»

او البته به عنوان یک وکیل برای خود و همچنین برای خانواده فرد زندانی حق شکایت از روند «غیر قانونی» قابل است اما تأکید می‌کند: «موضوع این است که کسی نیست که پاسخگو باشد و چنین شکایتی عملاً بی‌فایده به نظر می‌رسد.»

مصطفایی در پاسخ به این سوال که «آیا می‌شود تا ابد دو ماه دو ماه حکم بازداشت موقت کسی را تمدید کرد»، توضیح می‌دهد: «قرار بازداشت موقت یکی از فرارهای تأمین کیفری مثل فرار کفالت یا قرار وثیقه است و بر اساس اهمیت جرایم و برای پیش‌گیری از فرار یا تبانی با شاهدان می‌تواند صادر شود آن‌هم برای جرایم مهمی نظیر قتل و تجاوز.» و در ادامه می‌گوید: «جدا از این‌که شخصاً چنین بازداشت‌هایی را برای فعالان سیاسی یا خبرنگاران غیرقانونی می‌دانم، اما به طور کلی از آنجایی که فرد در این مرحله متهم است و نه مجرم، بنابراین قرار بازداشت موقت نباید به شکلی باشد که در نهایت و در صورت اثبات بی‌گناهی متهم، حقی از او ضایع شده باشد و بازداشت غیرقانونی به متهم تحمیل شده باشد.»

این وکیل دادگستری سپس تأکید می‌کند: «بر این اساس مرجع قضایی مکلف است و عدالت هم ایجاب می‌کند که در صورت اتمام تحقیقات - که ظاهراً تحقیقات پرونده فریبا پژوه هم به اتمام رسیده و پرونده به دادگاه ارسال شده - قرار بازداشت موقت فک شده و تبدیل به قرار دیگری شود.»

با این همه محمد مصطفایی تأکید دارد که «متأسفانه رویه "پرونده‌هایی امنیتی" در چند سال اخیر از بحث قانونی فراتر رفته و در حال تبدیل به یک روند غلط قضایی است. به این صورت که متهم را بازداشت می‌کنند و قرار را مدام تمدید می‌کنند تا متهم هیچ تحرکی خارج از زندان نداشته باشد و هیچ امکان دفاعی از خود برای زمان دادگاه نتواند مهیا کند.»

او می‌گوید که «تعیین قرار بازداشت موقت برای خانم پژوه هم از دید من بیش از آن‌که قرار تأمین کیفری باشد، به نوعی تحمیل مجازات حبس به ایشان است پیش از آن‌که حتی دادگاهی برای ایشان تشکیل شده باشد.»



عفو بین الملل خواهان آزادی مجید توکلی شد

سازمان عفو بین الملل خواهان آزادی مجید توکلی، از رهبران دانشجویی که در بازداشت به سر می برد، شده است.

مجید توکلی در تجمع اعتراضی روز دانشجو در دانشگاه امیر کبیر بازداشت شد.

مجید توکلی، دانشجوی اخراجی دانشگاه امیر کبیر و عضو سابق انجمن اسلامی این دانشگاه است که روز ۱۶ آذر در تجمع اعتراضی دانشجویان در این دانشگاه سخنرانی کرد و بعد از خروج از دانشگاه بازداشت شد.

به گزارش بخش فارسی بی بی سی، به دنبال این بازداشت، تصاویری از آقای توکلی با حجاب زنانه نشان داده شد که عفو بین الملل می گوید برای تحقیر او صورت گرفت.

انتشار عکس مجید توکلی با چادر و اکنش های گسترده ای از جانب مخالفان دولت ایران در پی داشت.

ساعاتی بعد از بازداشت مجید توکلی، خبرگزاری های فارس که به سپاه پاسداران نزدیک است و ایرنا، خبرگزاری رسمی دولت ایران با انتشار عکس هایی از آقای توکلی که مقنعه آبی و چادر سیاه بر سر داشت ادعا کردند که او بعد از سخنرانی اش با پوشیدن این لباس قصد فرار از دانشگاه را داشته است.

تعداد زیادی از مردان حامی جنبش اعتراضی موسوم به جنبش سبز، با بر سر کردن حجاب و انتشار عکس هایشان با آقای توکلی اعلام همبستگی کردند. پیام آنها این بود که حجاب زنانه را مایه تحقیر نمی دانند که انتشار عکس های مجید توکلی با حجاب زنانه باعث تحقیر او شود.

عفو بین الملل می گوید بر روی بسیاری از این تصاویر، شعار "ما همه مجید هستیم" دیده می شد.

این سازمان حقوق بشری می گوید از محل نگهداری آقای توکلی اطلاعی در دست نیست و او در معرض شکنجه و سایر بدرفتاری ها است.

برادر مجید توکلی در همین باره به بی بی سی فارسی گفته است که با گذشت بیش از ده روز از بازداشت او، خانواده اش هیچ خبری از نهاد بازداشت کننده و محل بازداشت آقای توکلی ندارند.

عفو بین الملل می گوید بر این باور است که آقای توکلی یک زندانی عقیدتی است که تنها به خاطر استفاده مسالمت آمیز از حقوق قانونی خود مانند آزادی بیان بازداشت شده است.

حسیبه حاج سهرابی، معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین الملل، گفته است که مقامات ایران باید فوراً و بدون قید و شرط مجید توکلی و سایر دانشجویان بازداشت شده را آزاد کنند.

تأیید قتل عمد در کهریزک از سوی جمهوری اسلامی



سازمان قضایی نیروهای مسلح در اطلاعیه ای کشته شدن 3 نفر از دستگیر شدگان در بازداشت شدگان کهریزک را قتل عمد به دلیل ضرب و جرح اعلام کرد و از مجرم شناخته شدن 12 نفر از متهمان پرونده کهریزک خبر داد.

سازمان قضایی نیروهای مسلح در اطلاعیه ای در خصوص پرونده کهریزک به جان باختن 3 نفر از بازداشت شدگان در این بازداشتگاه اشاره کرد پزشکی قانونی در نظریه خود ضمن رد فوت نامبردگان به لحاظ ابتلا به بیماری مننژیت با تأیید آثار متعدد ضرب و جرح بر روی اجساد، علت درگذشت متوفیان را مجموع صدمات وارده اعلام نمود.



به گزارش خبرگزاری مهر، متن کامل اطلاعیه به این شرح است: بر اساس تحقیقات به عمل آمده به دنبال وقوع حوادث و ناآرامی های پس از انتخابات از تاریخ 1388.3.25 تا 88.4.3 تعداد 23 متهم و در تاریخ 1388.4.19 تعداد 145 متهم به دستور مقام قضایی به بازداشتگاه کهریزک اعزام می شوند.

با پیشنهاد این هیئت و گزارش هیئت نظارت و بازرسی حقوق شهروندی قوه قضائیه و دستور مقامات عالی قضایی، پرونده ای در دادرسی نظامی تهران تشکیل می شود که آخرین نتایج رسیدگی به این پرونده پس از 4 ماه تحقیقات مداوم و پیگیر، به شرح ذیل به اطلاع مردم شریف ایران می رسد.

1- پس از ارجاع پرونده به شعبه اول بازرسی دادرسی نظامی تهران، با همکاری ضابطین قضایی بررسی های جامعی در این ارتباط آغاز و بخش های مختلف بازداشتگاه کهریزک مورد بازدید و بازرسی دادستان نظامی تهران و قاضی پرونده قرار می گیرد. در ادامه با اخذ لیست کامل اسامی متهمان اعزامی به بازداشتگاه کهریزک در جریان حوادث بعد از انتخابات، تمامی آنان شناسایی و 98 نفر شکایت خود را به دادرسی نظامی تهران اعلام می کنند و مصدومان به پزشکی قانونی معرفی می شوند.

2- در روند رسیدگی به پرونده، با تدبیر دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و پرداخت خسارت و دلجویی از شاکیان، در نهایت تعداد 51 نفر از آنان، رضایت خود را اعلام می نمایند.

3- به دلیل جان باختن 3 نفر از بازداشت شدگان، به نام های مرحوم محسن روح الامینی، مرحوم امیر جوادی فر و مرحوم محمد کامرانی و شکایت اولیا دم، تحقیقات جامعی در این خصوص از متهمان، شهود و مطلعین صورت گرفت و از پزشکی قانونی خواسته شد که با توجه به معاینه اجساد، ضمن اخذ نظر هیئت تخصصی پزشکی قانونی، نظر خود را درباره علت تامة فوت آنان اعلام نماید. پزشکی قانونی در نظریه خود ضمن رد فوت نامبردگان به لحاظ ابتلا به بیماری مننژیت، با تأیید وجود آثار متعدد ضرب و جرح بر روی اجساد، علت درگذشت متوفیان را مجموع صدمات وارده اعلام می نماید.

4- تحقیقات به عمل آمده نشان می دهد بازداشتگاه کهریزک از شرایط نامناسبی به لحاظ زیستی، بهداشتی و تغذیه برخوردار بوده و شکایت نیز بدون رسیدگی های لازم پزشکی در کنار برخی افراد سابقه دار و شرور نگهداری می شدند و به دلیل ظرفیت محدود بازداشتگاه، تعداد زیادی از دستگیر شدگان در فضای محدود و وضعیتی سخت، ایام بازداشت خود را سپری کرده اند. در مجموع بازداشتگاه کهریزک فاقد استانداردهای لازم برای نگهداری متهمین بوده و برخوردهای ناهنجار و تنبیهات بدنی مأمورین نیز این شرایط بد را تشدید کرده است.

5- پس از تحقیقات اولیه، عوامل دخیل در پرونده به عنوان متهم به دادرسی نظامی احضار و از آنان بازجویی به عمل آمده و تا پایان تحقیقات در مجموع 22 نفر از رده ها و قسمت های مختلف نیروی انتظامی و افراد مرتبط، به عنوان متهم تحت تعقیب قرار گرفته اند.

6- دادرسی نظامی تهران در نهایت پس از تحقیقات جامع، با توجه به اقاریر و اظهارات متهمان، گواهی شهود، مدارک و اسناد موجود، اظهارات شکات و مطلعین، معاینه محل وقوع جرم، استعلامات متعدد از مراجع ذی ربط، نظریات پزشکی قانونی در خصوص چگونگی و میزان جراحات و صدمات وارده به شاکیان و علل فوت متوفیان، مواجهه حضوری و سایر قرائن موجود، در مجموع 12 نفر از متهمان را مجرم شناخته و در خصوص آنان کیفرخواست صادر و نسبت به سایر متهمان حسب مورد، قرار منع پیگرد و موقوفی تعقیب صادر نموده است.

7- بر اساس مدارک و شواهد موجود و نظریات پزشکی قانونی، دادرسی نظامی تهران جان باختن مرحوم محسن روح الامینی، مرحوم امیر جوادی فر و مرحوم محمد کامرانی را به استناد بند "ب" ماده 206 قانون مجازات اسلامی از مصادیق قتل عمد تشخیص داده و در همین ارتباط از دادگاه نظامی برای 3 نفر از متهمان شاغل در بازداشتگاه کهریزک به اتهام مشارکت در ایراد ضرب و جرح منجر به قتل عمد سه نفر، درخواست مجازات نموده است.

8- سایر اتهامات منتسب به متهمانی که پرونده آنان منتهی به صدور کیفرخواست در دادسرای نظامی شده، عبارت است از:
- محروم کردن بازداشت شدگان از حقوق مقرر در قانون اساسی و عدم رعایت حقوق شهروندی موضوع ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع،
- بی مبالایی و عدم رعایت نظامات دولتی در ارتباط با امور خدمتی منجر به تلفات جانی و صدمات بدنی به دلیل عدم مدیریت و نظارت لازم بر بازداشتگاه،
- آمریت و مشارکت در گزارش خلاف واقع در خصوص علت و نحوه درگذشت سه تن از متهمان بازداشتی در کهریزک.
لازم به ذکر است که سازمان قضایی نیروهای مسلح مطابق با مقررات قانونی، پس از صدور حکم قطعی، اسامی متهمان را اعلام خواهد کرد.
در پایان لازم است از مقامات عالی رتبه نظام، هیئت سه نفره قوه قضائیه، هیئت ویژه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، اعضای کمیته ویژه مجلس شورای اسلامی، اصحاب رسانه و مردم صبور و شریف ایران و تمامی کسانی که با رهنمودها و همکاری های خود دادسرای نظامی تهران را در رسیدگی به این پرونده یاری نمودند، تشکر نماییم. امید است که این همکاری ها تا پایان رسیدگی به این پرونده ادامه داشته باشد.

مرگ های مشکوک

"ادامه ابهام ها در مورد مرگ مشکوک خریدار سهام مخابرات و همسرش" عنوان مطلبی است که در ارتباط با مرگ مجید سلیمانی پور و همسر او در سایت اینترنتی جنبش راه سبز (جرس) به چاپ رسیده است.
مژگان مدرس علوم، نویسنده این مقاله، در بخشی از مقاله خود به سخنان متفاوت و متناقض مسئولان جمهوری اسلامی ایران در مورد نحوه مرگ این دو نفر اشاره می کند. به نوشته نویسنده، عباس جعفری دولت آبادی، دادستان عمومی و انقلاب تهران، اعلام کرده است که براساس اظهار نظر رسمی پزشکی قانونی علت مرگ این دو نفر نشت گاز بوده است. از سوی دیگر، داود زارعیان، مدیر روابط عمومی شرکت مخابرات ایران، در این باره می گوید که پزشکی قانونی هنوز نظر رسمی خود را در این مورد اعلام نکرده است.
در مورد زمان مرگ این دو نیز به نوشته مدرس علوم، دادستان تهران از مرگ همسر سلیمانی پور در منزل سخن گفته و افزوده است که مجید سلیمانی پور پس از انتقال به بیمارستان شهید چمران در آن جا درگذشته است. این در حالی است که سید مسعود میری، مدیر روابط عمومی شرکت توسعه مبین، فوت سلیمانی پور در بیمارستان را تکذیب کرده و گفته است که وی و همسرش هر دو با هم فوت کرده اند.
مجید سلیمانی پور کیست؟
مجید سلیمانی پور مدیر عامل و عضو هیأت مدیره کنسرسیوم اعتماد مبین بوده است. این کنسرسیوم مالک بیش از نیمی از شرکت مخابرات ایران است. کنسرسیوم مرکب از سه شرکت متعلق به سپاه است که موفق به خرید هشت هزار میلیارد تومانی ۵۰٪ + یک سهام شرکت مخابرات در شهریور ماه سال جاری شد.
سلیمانی پور، افزون بر این، جانشین فرمانده دانشگاه امام حسین (وابسته به سپاه پاسداران) و عضو هیأت علمی این دانشگاه بود.
نویسنده مقاله پس از اشاره به مرگ مشکوک رامین پور اندرجانی، پزشک بازداشتگاه کهریزک، و انتشار اظهارات ضد و نقیض در مورد مرگ او، می نویسد بدین ترتیب مجموعه این اظهارات ضد و نقیض از سوی مسئولان قضایی و حکومتی در مورد این پرونده های مشابه حکایت از فعال شدن شبکه مافیائی و موج جدیدی از قتل ها به منظور افشا شدن دست های پنهان دارد.

علیرضا نوری زاده

علیرضا نوری زاده، روزنامه نگار و تحلیلگر سیاسی، این مرگ های مشکوک را دنباله قتل های زنجیره ای سالهای 60 و 70 می داند و با مراجعه و مرور موارد پر ابهام و خشن حوادث گذشته می گوید، اگرچه خاتمی توانست تا حدی عاملین آن را به پاسخگوئی وادارد، اما طبیعتاً چنین حرکتی نمی توانست کاملاً متوقف شود.
علیرضا نوری زاده، این گونه کشتن ها را در حکومت های دیکتاتوری و توتالیتر مرسوم می داند. به نظر او در کشوری که در آن اخلاق وجود ندارد و برای برخورد با مخالف از هر وسیله ای استفاده می شود، اینگونه اعمال دیده می شود.
به عقیده نوری زاده عوامل و روش به کار گرفته شده در مرگ های مشکوک اخیر با قتل های زنجیره ای مشابهت دارد و این بار هم افراد، بخصوص افراد خودی را، بواسطه داشتن اطلاعات خطرناکی که می تواند صاحبان قدرت را به خطر بیندازد، به قتل می رسانند تا رازها نهفته بماند.
نوری زاده در مثالهای مشخص خود به مورد پور اندرجانی و افشاگری های او اشاره می کند و یا از مرگ مرموز مجید سلیمانی پور نام می برد که وی را فردی مورد اعتماد "مافیای سپاه" می نامد. نوری زاده می افزاید که سلیمانی پور مأمور خرید ارز برای سپاه پاسداران و پسر خامنه ای بوده و از آنجا که اطلاعات زیادی در ارتباط با تأمین بودجه مالی خرید سهام مخابرات و تحرکات مالی سپاه داشته، فردی خطرناک به حساب می آمده است و در چنین مواردی چراغ سبز برای محو این افراد روشن می شود.
علیرضا نوری زاده در ارتباط با سخنان متناقض مسئولین درباره مرگ های مشکوک اخیر می گوید، در جامعه ای که شفافیت خبری وجود ندارد، شایعات رواج می یابد و مسئولین برای جوابگوئی به شایعات، اظهار نظرهای عجولانه و ضد و نقیضی طرح می کنند که به ضرر آنان تمام می شود.

خاتمی: ادامه سرکوب، تضعیف نظام را همراه خواهد داشت



محمد خاتمی، که روز شنبه در حضور اعضای هیات علمی دانشگاه های بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان سخن می گفت، به رویدادهای پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران پرداخت و گفت: "این که گفته شود آنچه پیش آمده مورد قبول اکثریت مردم است، پوشاندن مسئله است".

خاتمی افزود: "اگر آمارگیری کنیم، می بینیم که اکثریت مردم از نحوه اداره جامعه راضی نیستند و نارضایتی در متن جامعه وجود دارد". وی سپس در مورد نادیده گرفتن این نارضایتی ها هشدار داد و گفت: "... به خصوص نارضایتی نخبگان بسیار خطرناک است؛ نخبگان جنبه مرجعیت در جامعه دارند، نخبگان اکثریت نیستند ولی آنها هستند که مملکت را اداره می کنند... اگر برای این که امنیت کشور حفظ شود این امر را بپوشانیم، همانند زمانی است که وقتی سرمان درد می کند با مصرف مسکن آن درد را به صورت موقتی ساکت کنیم و به دنبال علت درد نباشیم".

محمد خاتمی گفت که اعتراض های مردمی به نتایج انتخابات ریاست جمهوری ادامه یافته و افزود: "اگر واقعاً مسئله ای در جامعه وجود دارد با پوشاندن آن، از بین نمی رود. آیا این مسئله نیست که اکثریت نخبگان ما امروز نارضی هستند و باید به حرف آنها گوش داد؟ ما که می گوئیم به حرف اینها گوش دهید، علاقه مند به نظام هستیم... باید آنها واقعاً قانع شوند که انتخابات درست برگزار شده که البته قانع شدن هم با زندان افکندن و سرکوب کردن و محدود کردن حاصل نمی شود؛ باید اعتراضات مردم و نخبگان جامعه را به رسمیت بشناسیم و به کمک یکدیگر مشکلات را حل کنیم".
رئیس جمهور پیشین ایران هشدار داد که رفتار دولت کنونی منجر و ادامه سرکوب به تضعیف نظام منجر خواهد شد. او گفت: "هزینه دار کردن اعتراض و انتقاد در جامعه یعنی زمینه سازی برای یک ناامنی درازمدت در جامعه و تضعیف نظام...".



آیت‌الله صانعی: با ترور و قتل امور پیش نمی‌رود

آیت‌الله یوسف صانعی از مراجع تقلید شیعه می‌گوید که با «ترور، شکنجه، زندان و قتل» نمی‌توان امور را پیش برد. به گفته آقای صانعی، این مسئله را دین اسلام می‌گوید و دانشجویان باید به مردم بگویند که «حرکت امام(حسین) برای هدایت جامعه بود و نه کشتن کسی.»

این مرجع تقلید شیعه که در جمع گروهی از دانشجویان سخن می‌گفت، اظهار داشت: «قدرت‌ها هیچ‌گاه با ظلم و ستم نمی‌مانند.» آقای صانعی همچنین گفت از اینکه جوانان ایران، برای دفاع از «دین و اعتقاداتشان» تحت فشار گرفته‌اند، ناراحت است.

وی افزود که «بنای ما در انقلاب بر این بود که یک حکومتی روی کار بیاید که حقوق ملت حفظ شود.»

این مرجع تقلید شیعه در ادامه اظهارات خود با انتقاد از برخوردهای خشونت‌بار با معترضان به نتیجه انتخابات گفت: «همه چی ما از امام و ملت است و اگر این را بفهمیم، دیگر توی سر ملت نمی‌زنیم.»

آقای صانعی از کسانی که مدعی پیروی از راه آیت‌الله خمینی هستند، خواست که به مبانی فکری وی «احترام» بگذارند.

وی در بخش دیگری از اظهارات خود، هشدار داد: «امروز هم اگر کسی بخواهد به عزاداران ابی عبدالله ظلم و تعدی کند، خود امام حسین ریشه‌اش را می‌کند.»

آیت‌الله صانعی از جمله مراجع تقلیدی است که نسبت به حوادث پس از انتخابات در ایران انتقاد و اعتراض دارد.

او پیش‌تر با انتشار بیانیه‌هایی، نسبت به برخوردها با معترضان به نتیجه انتخابات و دستگیری و محاکمه گروهی از فعالان سیاسی و مدنی اعتراض کرده بود.

آیت‌الله حسینعلی منتظری، آیت‌الله یوسف صانعی، آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی و آیت‌الله علی‌محمد دستغیب از دیگر مراجع تقلید شیعه هستند که نسبت به روند برگزاری انتخابات اعتراض داشته و برخوردهای خشونت‌بار با معترضان را محکوم کرده‌اند.